پژوهشنامۀ ایرانی سیاست بین الملل، دورۀ 12، شمارۀ 2، شمارۀ پیاپی 24، بهار و تابستان 1403
دورۀ انتشار: شش ماهنامه ❋ شاپا چاپی: 3472-2322 ❋ شاپا الکترونیک: 3402-2717
https://doi.org/10.22067/irlip.2023.74561.1218
مقالۀ پژوهشی
تاریخ دریافت : 1400/10/15 تاریخ پذیرش: 1401/02/12

ایران و راهبرد همسایگی فعال؛ الگووارگیِ فرکتالی در سیاست خارجی منطقه‌گرا

وحید سینایی[1]، فاطمه محروق[2]، احسان مزدخواه[3]

چکیده

با پیچیدگی در روابط بین‌الملل و نظم‌های منطقه‌ای توجه به دیپلماسی فعال و سیاست همسایگی مجموعه-ساز به منظور قدرت‌سازی و تامین منافع ملی از جمله ضروریات راهبردی کشورها است. در این چارچوب ایران کشوری پرهمسایه است که هر یک از همسایگان آن دارای ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، منزلت‌های استراتژیک و ژئواکونومیک و همچنین معضله‌های امنیتی هستند. باتوجه به این مسئله در پیش‌گرفتن سیاست‌خارجی چندگانه‌گرا در قالب سیاست همسایگی فرکتال و منطق شبکه‌ای متداخل از الزامات ایران در عرصه‌ی سیاست‌خارجی می‌باشد. هدف بنیادین این نوشتار تبیین وضعیت سیاست همسایگی ایران پساانقلاب در خوانشی نوین است. بدین منظور پرسش محوری این مقاله بدین صورت است که سیاست خارجی همسایگی فعال ایران به عنوان کشوری چندهمسایه، در بستر ساختار سیستمی بین‌الملل چگونه قابل تبیین است؟ فرضیه مقاله بیان می‌دارد که بهره‌گیری از دیپلماسی راهبردی و هوشمندانه در سیاست خارجی ایران، هم‌افزایی هوشمند و توجه به رویه‌های نهادی، منجر به ساخت یابی سیاست همسایگی فعال و مجموعه‌ساز می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی مجموعه‌ساز منطقه‌ای، منطقه گرایی متداخل شبکه‌ای، ایران، سیاست همسایگی

1- دانشیار و عضو هئیت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد. (نویسنده مسئول) Sinaee@um.ac.ir
Orcid.org/0000-0003-3985-2449
2- استادیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد. fmahroogh@um.ac.ir
Orcid.org/0000-0003-3336-8074
3- دانشجوی دکتری علوم سیاسی(گرایش مسائل ایران) دانشگاه فردوسی مشهد. Eh.mozdkhah@mail.um.ac.ir
Orcid.org/0000-0002-2017-3588

Iran and the active neighborhood strategy; Fractal modeling in regional foreign policy

Vahid Sinaee[1] , Fatemeh Mahrough[2] , Ehsan Mozdkhah[3]

Abstract

Complexity in international relations and regional order have force countries as one of the strategic necessities to Pay attention to active diplomacy and collective neighborhood policy to strengthen and secure national interests. In this context, Iran as a multi-neighborhood country is facing with neighbors with geopolitical characteristics, strategic and geoeconomics dignity as well as security problems. This situation requires Iran to follow multi-neighborhood foreign policy in the form of fractal neighborhood policy and the logic of the multiplex network. Respectively, the fundamental goal of this article is to explain the status of post -revolutionary Iran's neighborhood policy in a new reading. To this end, the central question of this article is how Iran's active neighborhood foreign policy as a multi-neighborhood country can be explained in the context of the international system structure? The paper hypothesis states that the use of strategic and intelligent diplomacy in Iran's foreign policy along with pursuing, smart synergy and attention to institutional practices lead to the construction of fractal neighborhood policy.

Keywords: fractal neighborhood foreign policy, multiplex regionalism, Iran, neighborhood policy

پژوهش‌نامه ایرانی
سیاست بین‌الملل،
سال 12، شمارهٔ 2، شماره
پیاپی 24، بهار و تابستان
1403

1- Corresponding Author Associate Professor of political science Department of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad. Sinaee@um.ac.ir. Orcid.org/0000-0003-3985-2449

2- Assistant Professor of International Relations, Department of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad. fmahroogh@um.ac.ir. Orcid.org/0000-0003-3336-8074

3- PhD candidate of political science Department of Political Science, Ferdowsi University of Mashhad. Eh.mozdkhah@mail.um.ac.ir. Orcid.org/0000-0002-2017-3588

مقدمه

در ادبیات سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اصطلاحاتی مانند محیط پیرامونی[۱]، سیاست پیرامونی[۲]، منطقه‌گرایی[۳] و فرامنطقه‌گرایی[۴] عبارت‌ها و راهبردهایی در عرصه‌ی تصمیم‌سازی خارجی هستند که دیدگاه‌های متنوعی درباره‌ی آنان مطرح شده است. اما امروزه با پیچیده شدن عرصه‌ی سیاست خارجی و ماهیت متحول کنشگری دولت‌ها در این عرصه، بازیگران در نظم‌های منطقه‌ای و جهانی و همچنین ادراکات جمعی مبنی بر تامین منافع ملی راهبردهایی چون «همسایگی[۵]» و «سیاست همسایگی[۶]» ادبیات بدیعی را در حیطه و مرزبندی‌های سیاست خارجی به وجود آورده است؛ راهبردی که می‌تواند در پرتو منطق فرکتالی سازی سیاست خارجی یعنی برقراری نظم‌سازی منطقه‌ای فعال معنا و مفهوم یابد.

بسیاری از تحولات و چرخش‌های الگووارهی در حوزۀ سیاست خارجی در محیط همسایگی و پیرامونی ج.ا.ایران عملاً نشان‌گر آن است که نظم‌سازی منطقه‌گرایانه مطابق با خواست و کنش ایران نیست و به نوعی نامطلوبیت محیطی به عنوان بستر منطقه‌ای برای ج.ا.ایران را حاکم کرده است در کنار این مسائل، بسیاری از کنشگری‌های ایران در حوزه سیاست خارجی منطقه‌گرا، تعدد حوزه‌های تمرکز، تعریف نادرست از سیاست خارجی منطقه‌گرایانه، بسترساز ناکارآمدی در حوزه اجرا و عملیاتی شدن راهبردهای سیاست خارجی منطقه‌گرایانه و به حاشیه رفتن همسایگی فعال شده است. در چنین شرایطی، تغییر و تحول در حوزه سیاست‌گذاری خارجی و روابط منطقه‌گرایانه در قالب سیاست همسایگی فعال از جمله ضرورت‌های راهبردی ایران در نظم منطقه‌ای می‌باشد. راهبردی که بتواند ایده و منطق عملیاتی خود را در مجموعه‌سازی روابط خارجی در راستای تامین ارزش‌ها و منافع ملی به مورد اجرا گذارد تا اساساً بر قدرت و ظرفیت ژئوپلیتیکی ایران در شرایط متغییر نظام بین‌الملل افزوده شود. بدین منظور پرسش محوری این مقاله بدین صورت است که سیاست خارجی همسایگی فعال ایران به‌عنوان کشوری چندهمسایه، در بستر ساختار سیستمی بین‌الملل چگونه قابل تبیین است؟ فرضیه مقاله بیان می‌دارد که بهره‌گیری از دیپلماسی راهبردی و هوشمندانه در سیاست خارجی ایران، هم‌افزایی هوشمند و توجه به رویه‌های نهادی، منجر به ساخت یابی سیاست همسایگی فعال و مجموعه‌ساز می‌شود.

1- Peripheral environment
2- Politics Peripheral
3- Regionalism
4- Meta regionalism
5- Neighborhood
6- Neighborhood Policy

چارچوب تئوریک؛ سیاست همسایگی در مدل منطقه‌گرایی متداخل شبکه‌ای

کشورها در عرصه‌ی سیاست خارجی منطقه‌گرایانه نیاز مبرمی به عملیاتی کردن مزیت‌های نسبی بالفعل خود در محیط پیرامونی دارند تا بتوانند در سطح تاکتیکی و راهبردی برنامه‌ها و اولویت‌های ملی خود را دنبال نمایند. شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه همواره بر منطق آنارشی، بی‌ثباتی سیاسی در بستر-های امنیتی، زمینه‌های تعارضی در سطح منافع میان گروه‌های مختلف و مداخلات نیروهای خارجی مبتنی بوده است. در چنین شرایطی مأموریت سیاست خارجی دولت – کشورها در سطح منطقه باید معطوف به پایدارسازی محیطی و خوشه‌بندی ارتباطی بر اساس تعریف درست از حوزه همسایگی باشد تا بتوانند مزیت جغرافیایی را به مزیت ژئوپلیتیک تغییر دهند و زمینه یک سیاست منسجم، مجموعه‌ساز(فرکتال) همسایگی در سطح منطقه را فراهم آورند (Ghasemi, 2018; Young, 2017a, 2017b).

سیاست خارجی منطقه‌گرایانه برای رسیدگی به چالش‌های برآمده از پیچیدگی سیستمی نظام بین‌الملل باید بر مبنای منطق بازی‌های راهبردی چندسطحی و هوشمند برای انطباق با شرایط نوین به کنشگری بپردازد. پیامد چنین تحولی آن است در سیاست خارجی توجه به محیط همسایگی و منطقه‌ای، توجهات به تعاملات درهم‌تنیده، وابستگی متقابل مناطق و منطقه‌گرایی چندسطحی معطوف شود (Young, 2010). این نکته دارای اهمیت است که راهبرد همسایگی یک طرح کلامی – گفتمانی نیست و صرفاً با دستاوردها تعریف و تبیین نمی‌شود. قدر مسلم آن است که مجاورت و نزدیکی ژئوپلیتیکی نمی‌تواند شاخص و معیاری مناسب برای سنجش راهبرد همسایگی فعال باشد، بلکه عواملی چون متناسب‌سازی رویکردی با دیگر کشورهای همسایه، انعطاف‌پذیری در ترتیبات منطقه‌ای – همسایگی در ابعاد سیاسی و امنیتی، روزآمد کردن قوانین تجاری – اقتصادی و اتخاذ مسئولیت مشترک در مواجهه با خطرات و مخاطرات احتمالی یک ضرورت جدی برای پیگیری سیاست همسایگی فعال منطقه‌گرا است که هدف آن تعمیق تعاملات مشترک با کشورهای همجوار جهت دسترسی و دستیابی به فرصت‌های مشترک می‌باشد.

در یک روایت و خوانش هستی‌شناسانه، زیست انسانی و زندگی بین‌المللی در عرصه‌ی واحد جغرافیا (ژئوپلیتیک) عمل می‌کند و از همین رو توجه به مقوله همسایگی و سیاست‌های مرتبط با آن در روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای به دلیل منطق‌های پیچیده سیستمی و حکمرانی‌های چندکانونی برای تدوین چارچوب‌های مناسب جهت کنشگری فعال لازم و ضروری است (Bamberger, 2019; Ghasemi, 2021; conary, 2021). در اکثر تولیدات علمی آکادمیک در قالب‌های نظری سیاست همسایگی، مطالعات همگرایی، کارکردگرایی و نوکارکردگرایی بر مفاهیمی از قبیل تسری و برون‌گرایی تمرکز یافته است که چنین فرصتی مبتنی بر وجود نوعی سیاست همسایگی همجوار میان دولت‌ها معنا می‌یابد

(Dehghani Firoozabadi, 2014 : 142). بـه بیـان دیگـر، تعـاریف مربـوط بـه مفهـوم «منطقـه» و اساسـاً همسایگی دولت‌ها، سطحی از منطقه‌بودگی و تمرکز بر اجتنـاب‌ناپـذیری همسـایگی از جملـه کـانون‌هـای شروع منطقه‌گرایی در ابعاد امنیتی، مالی – پولی و تجاری است که نشـان‌دهنـده‌ی سیاسـت همسـایگی در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است (Burchill et al., 2022: 1). در روابـط بـین‌الملـل، مطالعـه دولت‌های همسایه تحت عنوان روابط و سیاست همسایگی در ابتدا در اروپا به رشته نگـارش درآمـد زیـرا تبیین نزاع میان دولت‌های اروپایی ضرورت راهبرد همسایگی دولت‌ها در قبال یکدیگر را پررنگ سـاخت که این مفاهیم در آثار واکر، تیکز و کتزنشتاین قابل ردیابی اسـت(Katzenstein, 2019: 145). در محـیط همسایگی ایران فرصت بهره‌برداری از مزیت ژئوپلیتیک پس از جنگ سرد تاکنون به دلیل بی‌ثباتی، ناامنی، امنیتی‌شدن نظم منطقه‌ای، تداوم توسعه‌نیافتگی و در یک کلام وجود سطح بالایی از غلظت آنارشی امکان تحقق نیافته است. منطقه از یک سو با چالش‌های درونی مانند عدم وجود ترتیبات نهادین ثبات‌ساز، فزونی دولت‌های شـکننده، گسـترش اختلافـات ایـدئولوژیک و از سـویی دیگـر مـداخلات خـارجی و تغییـرات گسترده در ساختار ژئواکونومیک جهانی مواجه بوده اسـت. در مختصـات و نشـانگان بـی‌ثبـاتی در محـیط همسایگی ایران باید بیان کرد؛ الگوهای سیال امنیتی، تشدید رقابت‌های تسلیحاتی، جنـگ‌هـای سـایبری و تجاری برای در اختیار گرفتن بازارهای تجاری در منطقه، رقابت‌های هیدروپلیتیکی وغیره منجر به ساخت-یابی یک نظم امنیتی شده و عملاً ترتیبات منطقه‌ای را برای پیگیری سیاست خارجی منطقه‌گرایانـه فعـال بـا چالش مواجه کرده است (Hamidi and Mozdkhah, 2021: 406).

2-1. سیاست همسایگی و تحلیل سیاست خارجی

رهیافت نظری همسایگی مبتنی بر رویکـردی هنجارگونـه در روابـط خـارجی و عرصـه‌ی تحلیـل سیاسـت خارجی است. بر اساس این نظریه دولت‌هایی از سیاست و راهبرد همسایگی استفاده می‌کنند که بـر مبنـای عقلانیت ارتباطی هزینه می‌کنند و صرفاً به عنوان یک راهبرد واکنشی به آن نگاه نمی‌کنند و نگـاهی میـان مدت و بلند مدت در این راهبرد دارند. به عبـارت دیگـر، پـیش‌نیـاز و کـارویژه مهـم سیاسـت همسـایگی، ظرفیت فرهنگی – تمدنی بالا، تاریخ‌مند بودگی و تأثیرگذاری بر جوامع پیرامـونی اسـت (Barry, 2005: 54). در تحلیل سیاست خارجی، راهبرد همسایگی به‌گونه‌ای جاری شدن و فراگیری قـدرت نـرم از سـوی کشوری است که در عرصه‌ی سیاست خارجی و روابط منطقه‌ای برنامـه‌هایی کوتـاه مـدت، میـان مـدت و بلندمدت برای دستیابی به منافع و برنامه‌های اعلامی دنبال می‌کند. هرکشوری که در اتخاذ ایـن رهیافـت و نگرش هوشیاری و تأثیرگذاری داشته باشد به همان اندازه می‌تواند در آینده حیات منطقه‌ای دارای قـدرت

اثرگذاری باشد (Jakson,2006 & Dalton, 2010). این نکته دارای اهمیت استراتژیک است که سیاست همسایگی زمانی قابلیت تحقق و پیاده‌سازی را دارد که کشورهای منطقه‌ای به صورت غیر مستقیم به دولت حامی پیشبرد راهبرد همسایگی حسن نیت داشته باشند و جایگاه منطقه‌ای یکدیگر را تهدیدی علیه امنیت وجودی خود قلمداد نکنند. در چنین شرایطی سیاست همسایگی دارای پیش‌نیازها و الزامات است که در اشکال زیر به تصویر در آمده است.

شکل 1-1. پیش‌نیازهای سیاست همسایگی فعال منطقه‌ای(منبع: نگارندگان)



شکل 2-1. استلزامات سیاست همسایگی منطقه‌گرایانه(منبع: نگارندگان)



پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال 12، شمارۀ 2، شماره پیاپی 24، بهار و تابستان 1403

در جهانی که امنیت دارای لایه‌های ظریفی از معنا و مفهوم است ابهام در مفهوم همسایگی توجه سازه‌های آکادمیک را به خود جلب کرده است(Tahaei and Mousavinia, 2003: 162). به نظر می‌رسد که متأثر از شرایط پویا و پیچده نظام بین‌الملل و ظهور بحران‌های نوپدید همانند تغییرات اقلیمی، نئوتروریسم، فضای آنومیک در داخل کشورها، مسائل مربوط به مهاجرت، جنایات سازمان‌یافته، بیماری‌های پاندمیک مانند کوید19 ضرورت پردازش به سیاست همسایگی امری اجتناب ناپذیر است. در این چارچوب، با وجود آن‌که همسایه عنصر سازنده در علم و ساختار روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای است، در عین حال دارای تفاوت‌هایی در کارکرد و ساختار است: همسایگی تأکید بر اهمیت همسایه به‌عنوان یک واقعیت جایگزین ناشدنی است(Mearsheimer,2001: 129). نظریه و رهیافت همسایگی به‌عنوان محتوای سیاست خارجی نیازمند تاریخیت و فرهنگی‌بودن زمینه‌ای است تا در یک منطقه امکان کنش فعالانه را داشته باشد(Lin, 2010: 58). از سوی دیگر، می‌توان بیان کرد که سیاست همسایگی به مثابه یک رویکرد دارای ابعاد دوجانبه و چندجانبه است. در بُعد دوجانبه بر منافع، فرصت‌ها، مسائل و گفتگوهای تاکتیکی با همسایگان مبتنی است و در بُعد چندجانبه بر فرصت‌سازی منفعت – پایه، گفتگوهای چندجانبه در قالب چارچوب‌های موضوعی منطقه‌ای تاکید دارد (Mir Mohammadi, 2021: 8). به‌طورکلی، سیاست همسایگی از کارآمدترین راهبردها برای برقراری ثبات در محیط پیرامونی، ابزاری برای افزایش همکاری-های منطقه‌ای، ایفای نقش فعال در ترتیبات منطقه‌ای، برنامه‌سازی‌های نرم و هوشمند برای انطباق با تغییرات محیطی و ابزاری برای توسعه روابط سیاسی – اقتصادی در سطح منطقه می‌باشد.

2-2. مسئله‌بودگی «مجموعه‌سازی» در سیاست خارجی همسایگی

یکی از موضوعات محوری در روابط بین‌الملل سازمان‌دهی به نظم‌های منطقه‌ای است. این‌که چگونه نظم باید مدیریت شود یا فروپاشی نظم به چه عواملی بستگی دارد و عملاً سازماندهی نظم در عرصه‌ی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی چگونه صورت می‌گیرد. به همان نسبت، در سیستم منطقه‌ای، مسئله اصلی مقوله نظم است، چون ماهیت سیاست بین‌الملل در سطوح خرد (منطقه) و کلان(بین‌الملل) توجه بر برقراری نظم و هم‌پیوندی و هم‌تکاملی در حوزه‌های موضوعی و پویش‌های نظم می‌باشد. مفهوم مجموعه-سازی اساساً به‌عنوان شکل‌گیری ترتیبات در حال ظهور میان دولت‌ها تعریف می‌شود که شامل قواعد و اصولی است که برای انجام تعاملات در قالب‌های جمعی در جهت رسیدن به منافع منطقه‌ای و بین‌المللی به کار می‌رود. در برخی از آثار کلاسیک، مفهوم برقراری نظم منطقه‌ای گاهی اصطلاحی امنیت – بنیان است که در چارچوب مجموعه امنیتی به الگوهای دوستی و دشمنی میان دولت‌های منطقه اشاره دارد

(Buzan & Waever, 2003) و برخی دیگر از این آثار برقراری نظم در سطوح منطقه‌ای و جهانی را راهی برای مدیریت منازعات و گذار از تقابل در جهت رسیدن به رقابت یا همکاری می‌دانند. اما سیاست خارجی فرکتال یا مجموعه‌ساز به چگونگی شکل‌دهی به جریان‌های ارتباطی یا سوق دادن آنها به سوی حلقه‌ها و خوشه‌های منطقه‌ای خاص و پیوندیابی میان حوزه‌های مختلف موضوعی و مکانی در مناطق پیرامون و همسایگی اشاره دارد. براین اساس، مقوله مجموعه‌سازی در بسترهای منطقه‌ای به سیاست خارجی دولت‌ها شکل و صورت می‌دهد به طوری که دولت‌ها می‌توانند مجموعه‌های ارتباطی متناسب با خود را سازمان‌دهی کنند و به مثابه یک عامل در طراحی و تدوین سیاست خارجی پویا عمل نمایند. به این معنا، سیاست منطقه‌ای فرکتال (مجموعه‌ساز) دربرگیرنده ساختاری است که هرکدام از اجزا با کل همانند خواهد بود و آن حاصل اجرای برنامه‌ای است که در هسته اولیه سیستم سیاسی دولت یا منطقه نهاده شده است (Ghasemi, 2015:184). به این ترتیب، مجموعه‌سازی‌های منطقه‌محور به مثابه الزامی ساختاری هستند که آنان را به سوی نظم مطلوب در جهت دستیابی به فرصت‌های استراتژیک سوق داده و در طراحی سیاست خارجی فرکتالی کمک می‌کند؛ سیاست خارجی که در خط مقدم کنش دیپلماتیکی خود توجه به بُعد همسایگی – منطقه‌ای پررنگ است و بر همین اساس بهبود روابط در محیط همسایگی مهمترین اولویت راهبردی آن کشور است.

2-3. بایسته ها و الزامات سیاست خارجی مجموعه‌ساز؛ رَه‌نِشان سیاست همسایگی فعال

فرکتال از جمله اصطلاحات در علم معماری است که به معنای برقراری نظمی تقارنی در بی‌نظمی‌های موجود است. بسط و اشاعه مفهوم فرکتال به حوزه سیاست‌خارجی اساساً بدین معنی خواهد بود که در یک سیستم منازعه آمیز، برقراری رویکردی پویا با محوریت فرآیندهای گذار از تعارض به الگوهای رقابت و تعامل، ضرورت راهبردی دارد و از جمله ضرورت‌ها و الزامات دولت‌ها در بسترهای منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. به‌طورکلی، سیاست‌خارجی مجموعه‌ساز که توانایی سازمان‌دهی به نظم را دارد به معنای بسط یک سیاست‌خارجی سازنده در محیطی منازعه‌خیز است که هدف نهایی آن افزایش قدرت در تمامی ابعاد آن خواهد بود.

یکی از الزامات و بایسته‌های اجرای سیاست‌خارجی فرکتال منطقه‌ای موازنه قوای هوشمند در بستر نظم نامتقارن منطقه ای است. است. موازنه قوای هوشمند بهره‌گیری از قدرت سخت، چارچوب بندی آن در قالب ارتباطات سیستمی، ترکیب آنها در قالب سیستم سایبری و برقراری نوعی هم‌افزایی بین آنها است (Ghasemi, 2012: 178). منابع قدرت ارتباطی نیز عمدتاً شامل قدرت اجبار، قدرت کنسرت‌ساز،

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال 12، شمارۀ 2، شماره پیاپی 24، بهار و تابستان 1403

قدرت نهادی و قدرت چانه‌زنی می‌شود (Ghasemi and Abbasi Khoshkar, 2018: 33). موازنه قوای هوشمند مستلزم شبکه‌سازی ائتلافی یا سرمایه‌گذاری نیابتی منطقه‌ای در جهت پیوندسازی راهبردی با کنشگران همسوی منطقه‌ای است. در سیستم‌های پیچیده منطقه‌ای مانند غرب آسیا راهبرد سیاست‌خارجی فرکتال، گذار به سمت موازنه قوای هوشمند در چارچوب محیط راهبردی نامتقارن است. چنین راهبردی به معنای آن است که واحدهای سیاسی در جهت بقا در یک سیستم درهم تنیده و آنارشیک اساساً نیاز به انتخاب‌هایی دارند که بتواند نظم در بی‌نظمی به وجود آورد و به تنوع‌سازی در الگوهای رفتاری منجر شود. امروزه با تحول در سیستم‌های بین‌المللی–منطقه‌ای و پیچیدگی‌های ساختاری در نظم سیستمی، موازنه قوا حالت شبکه‌ای پیدا کرده است و در قالب موازنه‌ی هوشمند یعنی شبکه‌سازی با متحدان و توزیع الگوی ارتباطات براساس اصل تنوع، هم‌زمانی و هم‌پایانی مفصل‌بندی شده است. در این نوع از متوازن‌سازی منطقه‌ای سه حالت در باب اجرای الگوی فرکتالی سیاست‌خارجی صورت می‌پذیرد که شامل توازن نهادی، ارتباطی و پیوندی است که ابزار لازم برای به بلوغ رسیدن سیاست‌خارجی همسایگی فعال محسوب می‌شود. در الگوی موازنه نهادی، از نهادها و سازه‌های ژئوپلتیکی برای توازن در بستر سیستم منطقه‌ای استفاده می‌شود؛ بدین معنا که نهادها و سازه‌های منطقه‌ای می‌توانند در راستای مجموعه‌سازی ارتباطی در یک منطقه در گذار از تعارض به رقابت یا همگرایی و همکاری عمل نمایند که البته این نوع از موازنه نیازمند رویکرد منطقه‌گرایی و سیاست همسایگی فعال می‌باشد. الگوی دوم موازنه هوشمند، توازن ارتباطی است. در این مدل از رویکرد همسایگی فعال، دولت‌ها از طریق خوشه‌های ارتباطی که شامل حوزه‌های ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوکالچری می‌شود حساسیت و آسیب‌پذیری متقابل را برجسته می‌سازند و نوعی از ارتباط منطقه‌ای با یکدیگر را پیوند می‌زنند و عملاً به سوی دستیابی امنیت مشترک منطقه‌ای و فصل اختلافات از طریق کنش‌های مسالمت‌جویانه حرکت می‌کنند. الگوی سوم در توازن منطقه‌ای هوشمند اجرای مدل موازنه‌ی پیوندی در منطقه برای گذار از یک سیستم پیچیده به فاز همکاری است که از مهم‌ترین مدل‌های سیاست‌خارجی همسایگی فعال می‌باشد. به طورکلی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست خارجی فرکتال همسایگی در مدل منطقه‌گرایی متداخل شبکه‌ای می‌توان به موارد زیر اشاره‌ای داشت:

1- سیاست خارجی انطباقی: گذار از روابط دوجانبه صرف در محیط همسایگی، تحکیم‌سازی انشقاق‌های ساختاری و خنثی‌سازی عدم انسجام منطقه‌ای از جمله دستورکارهای سیاست خارجی چندهمسایگی است. برنامه‌ریزی راهبردی با محیط متداخل سیستم شبکه‌ای و زیر آستانه بودن تغییرات ژئواکونومیک و

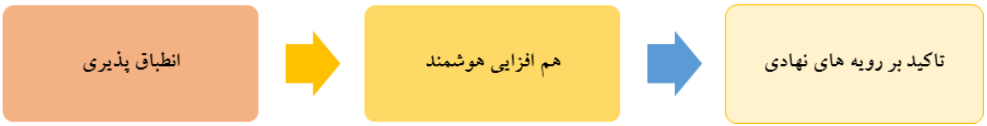
ژئوپلیتیک در محیط همسایگی می‌تواند انعطاف‌پذیری و مقابله با شوک‌های ساختاری – کارکردی و همچنین توان خودساماندهی در قبال بحران را به دولت‌ها بدهد مانند محیط چندهمسایگی آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی برای سیاست خارجی ایران (Mahrough, 2022).

2- هم‌افزایی هوشمند: تغییر در منطق دیپلماسی یعنی از امنیت‌محوری به توسعه باوری، هم‌کنشی فعال همسایگی، چندهمسایگی، برقراری پیوندی در میان خوشه‌های ارتباطی در فضایی متداخل از جمله ویژگی‌های سیاست خارجی هماسیگی فعال است(Ghasemi, 2019, Mahrough, 2022). هم‌افزایی ژئوپلیتیکی به‌عنوان اولین قدم برای سیاست‌خارجی همسایگی فعال و پویا است. در این الگو شناسایی تهدیدات آنی و آتی، توجه به نقاط همپوش منطقه‌ای برای کنش‌گری فعالانه با کشورهای منتفع از این جریان لازم و ضروری است. به طور مثال، ایران با توسعه همکاری‌های چندهمسایگی خود با چین و روسیه به دلیل فعال بودن دینامیک تعارض در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی با تاکید بر مسائلی چون تروریسم، افراط‌گرایی، ماهیت متنوع کنشگران و بازیگران غیردولتی، هماهنگ‌سازی سیاست‌ها، توازن منطقه‌ای، در پیگیری رویکردهای مشارکتی یعنی ادغام فضاهای ژئوپلیتیکی برای تامین منافع اقتصادی – امنیتی ضرورتی جدی دارد (Safary, Ahmadi & Barzegar, 2020: 104). دیگر بخش هم‌افزایی هوشمند در سطح ژئواکونومیک است یعنی توجه به ژئوپلیتیک راه به واسطه اتصال سه ابر شبکه مصرف‌کننده انرژی در شبه قاره هند، چین و اتحادیه‌اروپا. در هم‌افزایی ژئواکونومیک بهره‌گیری از دیپلماسی راهبردی برای کنشگری فعال همسایگی در جهت اتصال به شبکه‌های ریلی – ترانزیتی، مسئله مهم این سطح از سیاست خارجی فرکتال است. به طورمثال، ایران با اتصال و همراهی به ژئوپلیتیک راه – ترانزیت تهران – بغداد – دمشق – بیروت می‌تواند این هدف را دنبال نماید (AKabari, Ghazi & Ghaffarlou, 2022: 85-87).

3- تلاش برای شکل‌بخشی به رویه‌های نهادی: سومین عامل مهم در پیگیری سیاست خارجی همسایگی، تلاش برای کنشگری در رویه‌های نهادی و سازه‌های موجود همسایگی است. به طور مثال، عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای، همراهی منطقه‌ای با اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اکو، تلاش برای به سرانجام رسیدن موافقتنامه‌های تجاری، ایفای نقش گسترده در پروژه‌های کلانی مانند مشارکت اوراسیایی روسیه – چین، دینامیک هم‌افزاکننده ژئوپلیتیکی و چندسطحی شدن دیپلماسی راهبردی، هم‌وزن‌سازی و هم‌زمان‌سازی در این نوع می‌باشد (Mahrough, 2022).

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال 12، شمارۀ 2، شماره پیاپی 24، بهار و تابستان 1403

شکل 3-1. مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست خارجی فرکتالی در خوانش همسایگی فعال(نگارندگان)



2-4. منطقه‌بودگی و رَه‌نشانِ سیاست خارجی همسایگی؛ پیش به سوی منطقه‌گرایی متداخل شبکه‌ای

منطقه‌بودگی در بیان هتنه و سودربام تلاش دولت‌ها برای تامین منافع منطقه‌ای، ایفای نقش کنشگر فعال و پیشبرد سیاست همسایگی می‌باشد که اغلب چنین مؤلفه‌هایی را می‌توان در چارچوب سیاست خارجی منطقه‌گرایانه دانست. به باور هتنه و سودربام آن چه که در منطقه‌بودگی اهمیت بالقوه دارد، منطقه‌ای شدن است و زمانی این فرآیند در سطوح منطقه‌محور شکل می‌گیرد که نوعی انسجام ساختاری – کارکردی در منطقه به واسطه کنشگری فعال دولت – کشورها شکل گرفته باشد و در گستره ژئوپلیتیک به عنوان یک بازیگر دارای قدرت به حساب آیند (Hettne & Soderbaum, 2010: 38-39). به‌طورکلی و با عطف به روایت‌های هتنه و سودربام در قالب منطقه‌بودگی، می‌توان سطوحی را برای سیاست همسایگی متداخل منطقه‌گرایانه تعریف و تبیین کرد:

1- فضای ژئوپلیتیکی[1]: در زیرین‌ترین لایه از مولفه منطقه‌بودگی، مجموعه‌ای از افراد در بستر جغرافیا – پایه یا حوزه ژئوپلیتیکی قرار دارند به طوری که با کنترل بر منابع و مجموعه‌های فرهنگی – تاریخی، ارتباطات و هم‌پیوندی مشترکی دارند و به واسطه یک پیوستار تاریخی با یکدیگر در قالب یک مجموعه هستند.

2- مجموعه منطقه‌ای[2]: با ایجادشدن یک پیوستار و تاریخی – فرهنگی مشترک، رابطه‌ی اولیه منافع – پایه به عنوان نقطه شروع فرایند منطقه‌ای شدن در قالب سیاست‌های همسایگی منطقه‌گرایانه شکل می‌گیرد.

3- ژئولیتیک کنش[3]: در این سطح به‌عنوان سومین لایه از منطقه‌بودگی، تعاملات، ارتباطات و ترتیبات میان کنشگران دولتی و غیر دولتی دارای بستری گسترده و چند بُعدی‌سازی شده می‌باشد و حوزه-های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را در برمی‌گیرد و می‌تواند منجر به همکاری و

1- Geopolitical – Space
2- Regional Complex
3- Action geopolitical

کنشگری بینادولتی در قالب سیاست همسایگی فعال شود و ژئوپلیتیک کنش را در یک محیط یا منطقه ممکن می‌سازد.

4- اجتماع منطقه‌ای[1]: در این سطح از منطقه‌بودگی، روابط کنشگران ژئوپلیتیکی بر پایه اعتماد است، به سوی همگرایی فعال می‌گراید و عملاً روابط توسعه‌یافته میان دولت‌ها در یک گستره جغرافیایی که شبکه‌ای متداخل از بازیگران خواهند بود به وجود می‌آید. به طورکلی، نظام بین‌الملل و ساختار سیاست جهانی در وضعیت پیچیدگی و درهم تنیدگی ساختاری، سیاست خارجی دولت – کشورها را به انطباق ساختاری – کارکردی با الزامات راهبردی با شرایط نوپدید واداشته است.

بنابراین نگرش سنتی از سیاست خارجی منطقه‌ای و انگاشت خطی از آن پاسخگوی درهم تنیدگی عصر نوین بین‌المللی نیست. توجه به همسایه و راهبرد همسایگی که مرحله‌ی نخستین منطقه‌گرایی است از توجه به روابط ژئوپلیتیکی – همسایگی فعالانه صحبت به میان می‌آورد و به همین دلیل سیاست همسایگی الزام جدی برای کشورهایی است که دارای ژئوپلیتیک چندهمسایگی می‌باشند و باتوجه به این فرصت می‌توانند بسترهای کارآمدی سیاست خارجی منطقه‌گرایانه خود را فراهم آورند. سیاست خارجی چند – همسایگی(Khalili, 2018) بدین معناست که کشورها با عبور از تعامل صرف همسایگی به سوی راهبرد چندهمسایگی شبکه‌محور متداخل به‌عنوان یک کشور دارای گونه‌گونی همسایه روی می‌آورند مانند ایران که دارای ژئوپلیتیک چندهمسایه است. به بیان دیگر، چنین مفهوم‌سازی‌هایی باتوجه به عصر پیچیدگی در نظام‌الملل، پویایی‌های محیطی در سطح مناطق و چند سطحی‌شدن نظم منطقه‌ای، بیانگر این مسئله است که مجموعه‌سازی کشورها در محیط همسایگی – منطقه‌ای ضرورت راهبردی برای فعال‌شدن سیاست خارجی است و اساساً قدم‌گذاری به عصر «عدم قطعیت» و انطباق با شرایط نوپدید جهانی است (Goh, 2022). به همین دلیل تکامل سازه‌های نظم جهانی و منطقه‌ای در قالب‌های چندپیکری به واسطه تغییرات در ساختار حکمرانی جهانی و پدیدارشدن مراکز متکثر قدرت، مفهوم و ماهیت نظم‌های منطقه‌ای و متعاقب آن راهبرد همسایگی را به سوی الگویی جدید یعنی سیاست منطقه‌گرایی فرکتال به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از منطقه‌گرایی متداخل شبکه‌ای[2] سوق می‌دهد. اساساً برای فهم تغییرات بنیادین در نظم

1- Regional Community

2- به منظور مطالعه بیشتر در زمینه منطقه‌گرایی متداخل شبکه‌ای رجوع شود به:

قاسمی، فرهاد (1401)، نظریه‌های روابط بین الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران، میزان، چاپ سوم.

محروق،فاطمه (1401)، منطقه‌گرایی متداخل شبکه‌ای؛ الگویی نظری برای سیاست خارجی چندهمسایگی ایران، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک.

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال 12، شمارۀ 2، شماره پیاپی 24، بهار و تابستان 1403

منطقه‌ای و روابط بین‌الملل به‌عنوان یک سطح کلان بـه واسـطه شـرایط پیچیـده جهـانی کاربسـت مفـاهیم جدید نظری برای بازشناسی این تحولات و ضرورت به‌کارگیری راهبـرد همسـایگی فعـال در محیط‌هـای پرمنازعه دارای ضرورت راهبردی و اجتناب‌ناپذیر است. در این چارچوب منطقه‌گرایـی شـبکه‌ای سـطحی جدید از فهم‌شدگی کنشگران مناطق است. در سـطح منطقـه‌گرایـی شـبکه‌ای، سیاسـت خـارجی منطقـه‌ای مولفه‌ای برای رسیدگی به چـالش‌هـای بـر آمـده از پیچیـدگی‌هـای سیسـتمی، تاکیـد بـر مبـانی غیرخطـی، راهبردی شدن کنشگری در قالب‌های چند سطحی و هوشمند برای انطباق با شرایط نوین عمل کنند. پیامد این تحول آن است که بـه جـای نگـاه مجـزا بـه منـاطق و انگاشـتی خطـی در سیاسـت خـارجی بـه محـیط همسایگی و منطقه‌ای، توجه به درهم تنیدگی‌های ژئـوپلیتیکی، وابسـتگی متقابـل منطقـه‌ای، منطقـه‌گرایـی چندسطحی تصور و تصدیق می‌شود (Mahrough, 2022). رهیافت شبکه‌ای شـدن منطقـه‌گرایـی رویکـرد تحلیلی مناسب برای مطالعه سیاست خارجی همسایگی و چند همسـایگی خواهـد بـود، زیـرا بـا عطـف بـه پیچیدگی‌های سیستمی و نهادی، بستر فهم قواعد رفتـاری سیسـتمی را فـراهم مـی‌کنـد و ادراک بهتـری از پویایی‌های ژئوپلیتیک در سطح مناطق، نقـش قـدرت‌هـای بیرونـی، پویـایی‌هـای محلـی و درون منطقـه‌ای بدسـت مـی‌دهـد (Punnoose & Vinodan, 2019; Ghasemi, 2018, Degterev, Ramich & Tsvyk, 2021, Mahrough, 2022). بنابراین در این دوره محیط‌های پیچیده پدیدار می‌شوند که به سازه‌های جدید منطقه‌ای، فرایندهای نوین منطقه‌گرایی و سیاست خارجی فرکتالی در مدل شبکه‌ای متداخل منجر شده‌اند، به‌گونه‌ای که سازه‌های نظم و ماهیت مناقشات – همکاری منطقه‌ای صرفاً بازتاب رقابـت‌هـای اسـتراتژیک در میان قدرت‌های جهانی و نوع قطبیت حاکم در قالب تک قطبی، چند قطبی و هژمونی طلبـی در منـاطق نیست. از سویی دیگر نقش قدرت‌های منطقـه‌ای در شـکل‌دهـی بـه ائـتلاف‌هـای منطقـه‌ای –ژئـوپلیتیکی اهمیت استراتژیک می‌یابد. به سبب اهمیت یافتن نقش بازیگران منطقه‌ای، وابستگی امنیتی بـه قـدرت‌هـای فرامنطقه‌ای به سمت استقلال راهبردی حداقلی بر پایه منطقه‌گرایی فعال نمود می‌یابد .

در این چارچوب، اهمیت یافتن سیاست خارجی همسایگی فعال به منظور سازمان‌دهی به یـک نظـم جدیـد منطقه‌ای است که بتواند در مجموعه‌سازی ارتباطی میان کشورها در محیط همسایگی مؤثر عمل نماید کـه چنین کنشی نشان‌دهنده‌ی تحول ژئوپلیتیکی در منطق روابط بین‌الملل است (Araghchi, 2022: 27). در چنین ساختاری، مکان جغرافیایی جای خود را به فضای جغرافیایی می‌دهد و مرزهای جغرافیایی جای خود را به مرزهای ارتباطی می‌دهد و عملاً شـاهد سیاسـت خـارجی فعـال همسـایگی در خـوانش منطقـه‌گرایـی متداخل شبکه‌ای هستیم که فضا مفهومی سیال بوده و به همین جهت دینامیک خاصی به سیستم‌ها و شبکه‌ها خواهد بخشید و در چنین چارچوبی راهبرد همسایگی فعالانـه فرکتـالی نمـود مـی‌یابـد؛ نمـودی کـه در

قالب‌های احترام ژئوپلیتیکی متقابل، دستیابی به امنیت مشترک منطقه‌ای و حل‌وفصل اختلافات از طریق کنش‌های مسالمت‌جویانه، همکاری‌های فراگیر برای مقابله با تهدیدات مشترک موجود مانند ناامنی، تروریسم، تغییرات اقلیمی، گسترش همکاری‌های و همگرایی‌های اقتصادی – سیاسی و امنیتی در محیط همسایگی و همراهی با یک بازیگر فرامنطقه‌ای جهت تنش‌زدایی در میان بازیگران درگیر یا یکدیگر به جهت دستیابی به محیط منطقه‌ای – همسایگی کم‌تنش و گسترش روابط همه‌جانبه مانند: میانجی‌گری چین در میان ایران و عربستان سعودی، به ظهور می‌رسد.

3. بازشناسی محیط منطقه‌ای – همسایگی ایران و ضرورت بهره‌برداری از دینامیک شبکه متداخل منطقه‌گرا

محیط ژئوپلیتیکی در قالب بستر همسایگی، اولویت اصلی سیاست خارجی هرکشوری محسوب می‌شود. داشتن همسایگان متکثر و فراوان به عنوان کشوری دارای ژئوپلیتیک چندهمسایگی ضمن اینکه خود فرصتی استراتژیک است، می‌تواند چالش‌ساز و تهدید برانگیز باشد. به همین دلیل، تنظیم روابط با همسایگان برای کشورهای پرهمسایه اقدامی سهل نیست و نیازمند استراتژی منسجم و دارای هدف است. ضرورت اتخاذ رویکرد سیاست خارجی همسایگی فعال و پویا به‌طور جدی در دستگاه سیاست خارجی ایران مورد توجه است؛ به ویژه آن که این راهبرد اساساً مهمترین برنامه و استراتژی کشور برای کاهش فشارهای فرامحیطی و سیستمی برآمده از نظم تحریمی بین‌الملل در دستورکار قرار گرفته است. ایران با داشتن پانزده همسایه زمینی و دریایی به‌عنوان کشوری با ژئوپلیتیک چندهمسایه محسوب می‌شود. داشتن این تعداد از همسایه ضمن فرصت برای مبادلات اقتصادی – تجاری در راستای مقابله با نظم تحریمی، منافع ملی ایران را در معرض چالش و تهدید قرار داده است زیرا تعریف درستی از حوزه همسایگی صورت نگرفته و عملاً در این بستر ما شاهد تعدد مراکز تهدید به‌عنوان دینامیک‌های کاهنده قدرت هستیم. بسیاری از تحولات چندسال اخیر در محیط همسایگی ایران در راستای منافع کشور نبوده و در حال حاضر به عنوان کانون تهدید برای سیاست خارجی همسایگی محسوب می‌شود. بازیگران محور مقاومت در وضعیت ناپایدار و شکننده سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی قرار دارند. لبنان، عراق سوریه و یمن با مصائب و چالش‌های عمده اقتصادی همراه هستند و از نظر سیاسی نوعی از بی‌ثباتی را تجربه می‌کنند، اگرچه توانستند به عنوان بازیگران کوچک منطقه‌ای، کنش‌های اثرگذار منطقه‌ای را به همراه داشته باشند. ضمن اینکه شرایط اقتصادی ایران هم به دلیل مشکلات ناشی از نظم تحریمی غرب به عنوان کشور حامی محور

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل،
سال 12، شمارۀ 2، شماره پیاپی 24، بهار و تابستان 1403

مقاومت با دشواری‌های راهبردی مواجه شده است. همچنین سیستم‌های اتحاد و ائتلاف و پیوندهای پیرامونی – همسایگی در نزدیکی ایران به عنوان کانون‌های مقاومت و کاهنده قدرت شکل گرفته که معطوف به مقابله با ایران و محور مقاومت هستند که تأثیر منفی بر ژئو – امنیت منطقه‌ای ایران و کشورهای محور مقاومت گذاشته است. نزدیکی برخی از کشورهای عربی به اسرائیل برای احیای نظم عبری – عربی در قالب طرح عادی‌سازی و عملیاتی‌سازی روابط منطقه‌ای با کشورهای حاشیه خلیج فارس به مانند امارات متحده عربی و بحرین، برخی از اقدامات در راستای کاهش جایگاه ایران در معادلات سیاسی منطقه‌ای از جمله نشست سه‌گانه ترکیه، روسیه و قطر درباره موضوع سوریه یا نشست‌ها در مورد افغانستان بدون حضور ایران و نزدیکی ترکیه، پاکستان و جمهوری آذربایجان به یکدیگر از جمله این تحولات هستند. در کنار این مسائل، مجموعه سازی دیگر کشورهای محیط همسایگی ایران از جمله ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی برای افزایش نفوذ منطقه‌ای از دیگر بسترهای مقاومت و مقابله با نظم هندسی قدرت ایران در منطقه است (Akbari and Mirmohammadi,2021: 66). تضعیف استراتژیک و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بخشی از راهبرد شبکه‌سازی رقبا است و همراه با پیشران‌های خارجی مانند تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی آمریکا، ایران را دچار محدودیت ژئوپلیتیک کرده و پیشبرد سیاست همسایگی فعال را دشوار ساخته است. در یکی از جدیدترین رخدادها، تحولات قفقاز جنوبی در سال‌های اخیر و تشدید منازعات میان ارمنستان و آذربایجان خود نشانی از محدودیت‌ها و چالش‌های سیاست خارجی همسایگی است. اساساً برخی از کشورهای عربی باتوجه به احیای روابط با اسرائیل سعی در مجموعه‌سازی مقابله‌گر به‌عنوان دینامیک کاهنده قدرت منطقه‌ای ایران دارند. این مجموعه‌سازی هم منجر به تبدیل شدن اسرائیل به بازیگر – کنشگر فعال منطقه‌ای می‌شود و هم امکان دارد ائتلافی با محوریت این رژیم شکل بگیرد که از جمله اهداف آن مقابله با حوزه استراتژیک ایران باشد. به طور مثال نشست «پافوس» که میان وزرای امور خارجه اسرائیل – یونان – قبرس، امارات متحده عربی و مشاور دیپلماتیک بن زاید یعنی، انور قرقاش برگزار شده است، نشان‌دهنده این هدف بوده است. دستورکار جلسه در نشست فوق بررسی تهدیدات منطقه‌ای ایران و حزب‌الله در قبال ثبات خاورمیانه و صلح منطقه‌ای بود که خود نشان‌دهنده‌ی مجموعه-سازی مقابله‌ای با ایران است. به طورکلی، بخش زیادی از فشارهای محیطی در حوزه همسایگی و منطقه‌ای ایران ناشی از تلاش رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است اما دیپلماسی ضعیف همسایگی ایران در این زمینه نیز اثرگذار بوده است. در واقع دیپلماسی همسایگی نتوانسته با تعریف درست از محیط منطقه‌ای و تعدد حوزه کنشگری شرایط مطلوب در رابطه با همسایگان مرزی – منطقه‌ای(ژئوپلیتیکی) را بدست دهد. در

محیط همسایگی ایران همواره چالش‌هایی راهبری و تنش‌های محیطی حاکمیت داشته است که به شرح زیر بیان می‌شود:

1- منابع مشترک و اختلافات مرزی: اختلاف با افغانستان بر سر مسئله آب هیرمند و هریرود، مناقشه با پاکستان در مورد تامین امنیت مرزهای شرقی، اختلافات آبی با عراق بر سر مسئله اروندرود و رودخانه‌های مرزی مشترک، تنش با امارات متحده عربی به‌دلیل تعیین حاکمیت جزایر سه‌گانه و چالش‌های مربوط به ریزگردها با همسایگان غربی از چالش‌های همسایگی ایران می‌باشد.

2- تهدیدات و چالش‌های قومی: به واسطه موزاییکی بودن منطقه خاورمیانه چالش‌های ناشی از پیوستگی قومی – مذهبی در مرزهای شمالی، غربی، جنوبی، شرقی کشور و چالش مهاجران افغانستانی از جمله تهدیدات آتی همسایگان در قبال ایران است. در عین حال این تهدید می‌تواند با پیگیری یک دیپلماسی شبکه‌ای – متداخل به فرصتی استراتژیک مبدل شود.

3- اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی با رقبای منطقه‌ای: اساساً تعارضات و تقابل‌های محور مقاومت به رهبری ایران با محور سازش به رهبری عربستان سعودی در قالب‌های سیستمی اتحاد – ائتلاف منطقه‌ای چالشی عمده است که در سال‌های اخیر از مهمترین مسائل سیاست همسایگی ایران می‌باشد.

4- اختلافات میان منطقه‌ای بازیگران در محیط همسایگی و چند همسایگی ایران: تنش‌های میان ارمنستان و آذربایجان، ترکیه با ارمنستان، عراق با ترکیه، مسئله کردها، اختلافات پاکستان و افغانستان از جمله بستر-های تنش‌ساز منطقه‌ای است که منافع ایران را تحت تأثیر قرار داده است.

شکل 4-1. چالش‌های محیط همسایگی ایران(منبع: نگارندگان)



در عین حال با وجود بسترهای اختلافی در محیط همسایگی ایران، پتانسیل‌های بالایی در جهت همکاری، توسعه روابط و مجموعه سازی ارتباطی فرکتال‌محور برای پیگیری سیاست همسایگی وجود دارد که به شرح زیر می‌باشد:

1- بازارهای بزرگ منطقه‌ای: ژئوپلیتیک همسایگی ایران که شامل 15 کشور می‌شود، مساحتی نزدیک به 30 میلیون کیلومتر مربع دارد و در مجموع یک بازار اقتصادی 600 میلیون نفری را تشکیل می‌دهد که استفاده از ظرفیت تجاری – مبادلاتی در قالب دیپلماسی فعال اقتصادی می‌تواند سالانه 100 میلیارد دلار رشد و تجارت داشته باشد.

2- ژئوپلیتیک دسترسی و ارتباطات اقتصادی به صرفه؛

3- بازارهای اقتصادی کشورهای همسایه از جمله در دسترس‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پرمزیت‌ترین بازار برای گسترش روابط اقتصادی در قالب‌های ژئواکونومیک سیاست همسایگی است و در شرایط تحریمی جایگزین مناسبی برای خنثی‌سازی آن می‌باشد.

4- امکان رقابت‌پذیری بالا: محیط همسایگی ایران، بستری با میراث تمدنی، فرهنگی، مذهبی و تاریخی بالاست. وجود این میراث مشترک علاوه بر گسترده‌سازی شبکه‌ای و ارتباطی در قالب‌های همکاری‌جویانه و تفاهم با همسایگان می‌تواند پیشرانی برای رقابت‌پذیری میان کشورهای باشد.

5- کاهش ضریب خطر تحریم‌های بین‌المللی: یک کشور با مرزهای ژئوپلیتیکی متعدد ضریب تحریم‌پذیری کمتری در مقایسه با یک کشور دارای مرزهای محدود دارد. ایران می‌تواند باتوجه به محیط همسایگی متنوع، نظم تحریمی غرب را در بستر استفاده از مزیت‌های اقتصادی محیط همسایگی کاهش دهد و بر کاهش خطرپذیری از جانب تحریم‌های اقتصادی غرب اقدام نماید.

به‌طورکلی، ایران به منظور دفع تهدیدات پیش‌روی خود در سیاست خارجی منطقه‌گرایانه می‌بایست از ژئوپلیتیک همسایگی به‌عنوان یک فرصت استراتژیک بهره‌برداری نماید و در این چارچوب نیازمند الزامات و طرح‌واره‌های عملیاتی است که در ذیل به چند مورد از آن اشاره می‌شود:

1- گذار از راهبرد حُسن همجواری به سیاست همسایگی فرکتال (مجموعه‌ساز): این الزام بدان معناست که ایران برای تغییر در سیاست خارجی منطقه‌ای خود، می‌بایست به دنبال داشتن روابط اقتصادی پویا باشد و رویکردهای امنیتی را هوشمندانه مدیریت کند و در چارچوب مناسبات راهبردی و نظام‌مندِ وابستگی متقابل به کنشگری فعال با محیط همسایگی اقدام کند. در این الزام مناسبات همسایگی از مدل سلبی حسن همجواری یعنی احترام ژئوپلیتیکی و عدم دخالت در امور داخلی گذار پیدا می‌کند و مدل‌های ایجابی

همسایه‌محور یعنی توسعه مناسبات قاعده‌مند پدیدار می‌شود.

2- پایدارسازی سیاست خارجی در انطباق با سیاست منطقه‌ای: پایدارسازی مستلزم توجه به پیچیدگی سیستم منطقه‌ای و بین‌المللی است که در آن ایران قادر به حفظ استقلال خود بدون جدایی یا انزوا از محیط باشد. در اینجا تلاش باید ایجاد وابستگی حساس در جهت ایجاد تغییرات ساختاری بدون قطع ارتباط با محیط صورت گیرد. این امر مستلزم شبکه‌سازی، پیوندسازی ساختاری بین بخش‌های داخلی شبکه و محیط، هم‌افزایی میان پویش‌های قدرت و حوزه‌های موضوعی مختلف براساس اصل تنوع و شکل‌دهی به مدیریت نظم در قالب رژیم‌های بین‌المللی رسمی و غیررسمی است.

1- برنامه‌سازی و بهینه‌سازی سیاست خارجی چندهمسایگی: در برنامه‌سازی، هدف تغییر سازه شبکه از یک شبکه نامنظم و تصادفی به شبکه‌ای سامان‌یافته و منظم است که در آن هماهنگ‌سازی شبکه به صورت سامان‌یافته صورت می‌گیرد. در این چارچوب باید در نظر داشت که سیاست خارجی با ویژگی‌های خاصی مواجه است به طوری که بخش‌های مختلف محیط همسایگی در محیط راهبردی بازیگران درگیر در بازی راهبردی به صورت ناهمزمان عمل می‌کنند و ممکن است بین این بخش‌ها در پیوندیابی و انتقال پیام‌ها با نوعی انقطاع ارتباطی مواجه شوند. بنابراین، پیام‌ها نقطه هدف سیاست خارجی خواهند بود. بنابراین، شناسایی و تشخیص نقاط هدف سیاست خارجی در محیط همسایگی براساس نقش و کارکرد آنها در منافع ملی و برقراری پیوند میان آنها در شبکه متداخل منطقه‌ای، شکل‌دادن یا جهت‌دهی به مسیرها یا چگالی جریان ارتباطی و سازه‌های همجوار از نخستین اقدامات در دستورکار برنامه‌سازی در سیاست خارجی فرکتالی خواهد بود. گام دوم ایجاد هم‌افزایی کارکردی میان بخش‌های تشخیصی و خوشه‌های همجوار محیط همسایگی است. گام سوم شکل دادن به سازه موردنظر در شبکه متداخل منطقه‌ای براساس سازه‌های سلسله‌مراتبی، چرخه‌ای یا ستاره‌ای است. این اقدام نیز مستلزم شاخه‌ای کردن نظم در قالب اصل خودمختاری و انسجام و توجه به مشارکت بخش‌ها در فرایند کلی سیستم منطقه‌ای است.

2- تدوین راهبرد همکاری با همسایگانِ همسایگان: یکی از اقدامات مهم در راستای بهینه‌سازی سیاست خارجی چندهمسایگی، فراهم کردنِ شرایط لازم برای سرایت افقی و عمودی در قالب اصل برون‌گرایی است، بدین معنا که کشورها باتوجه به راهبرد چندهمسایگی می‌توانند در قالب ژئوپلیتیک گسترده‌تر با کشورهایی که مرز مستقیم هم ندارد وارد رابطه شوند که در این حوزه ارتباط ایران با کشورهایی چون هند، سوریه، مصر و چین در قالب این الزام معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

3- هم‌افزایی هوشمند: هم‌افزایی هوشمند برپایه اصل تنوع تحقق می‌یابد و در آن هم‌افزایی میان پویش-های مختلف قدرت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچری در دستورکار قرار می‌گیرد. هم‌افزایی میان این پویش‌ها کمک می‌کند تا در محیط آشوبناک منطقه غرب اسیا به تناسب شرایط بتوان بین پویایی‌های امنیتی و چشم‌اندازهای اقتصادی – فنی و تجاری پیوندسازی و جایگزین‌سازی کرد؛ به-طوری‌که در این الزام، نگاه‌های رقابت‌گرایانه به سمت نگرش‌های همکاری جویانه سوق یابد.

4. ایران و سیاست همسایگی در منطقه‌گرایی مجموعه‌ساز

برخی کشورهای پر همسایه آسیا همانند ایران، چین و روسیه به دلیل برخورداری از گستره جغرافیای وسیع در فضای متداخل منطقه‌گرایی شبکه‌ای قرار گرفته‌اند که استلزامات خاص خود را در پیگیری دیپلماسی راهبردی بر سیاست خارجی آنها تحمیل می‌کند. ایران پس از چین پرهمسایه‌ترین کشور دنیا است و همسایگی با آسیای مرکزی و قفقاز، جنوب آسیا، غرب و جنوب غرب آسیا، آن را در فضای متداخل ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک شبکه منطقه‌ای قرار داده است. بنابراین، چندهمسایگی بر محیط پیرامونی ایران چیره شده است که به دلیل قرار گرفتن در چهارراه راهبردی جهان، از بعد ژئوپلیتیک، گذرگاه شرق به غرب و محل ارتباط ژرفای ژئوپلیتیک شمالی (منطقه هارتلند) و ژرفای جنوبی (منطقه ریملند) (Noruzizadeh, Goodarzi & Masoudnia: 2022)، از بُعد ژئواکونومیک، در کانون بیضی راهبردی انرژی و ترانزیت بین‌المللی در میان سه حوزه مهم مصرف کننده انرژی یعنی اروپا، چین و هند و از بعد ژئوکالچردر کانون شبکه منطقه‌ای جهان اسلام (غرب آسیا) و پل فرهنگی-تمدنی کشورهای همسایه خود واقع شده است. در نتیجه، از نظر موقعیت در معماری شبکه متداخل منطقه‌ای، ایران بخشی از چندین منطقه است که هر کدام به دلیل تداخل کارکردهای جغرافیایی، اقتصادی و هویتی دارای پویایی‌های درون منطقه‌ای و نگرانی‌های فرامنطقه‌ای خاص خود هستند و در آن پروژه‌های سیاسی متضاد و متعارض با یکدیگر برخورد دارند.

از سوی دیگر، با ورود سیستم بین‌المللی به دوره گذار سیستمی و تغییر ساختار ژئوپلیتیک سیستم جهانی و گستره جغرافیایی آن، محیط پیرامونی ایران از بعد ارزش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک در حال تغییر است. به همین خاطر، ایران به سیاست خارجی مناسب چندهمسایگی نیاز دارد تا با طراحی شبکه منطقه‌ای چندلایه، دیپلماسی راهبردی را جایگزین دیپلماسی سنتی کند. براین اساس، منطقه‌گرایی متداخل شبکه‌ای به معنای الزام عبور سیاست خارجی ایران از توجه و تعهد به محیط منطقه‌ای واحد به سمت راهبرد کلان

امنیت ملی بر پایه سیاست خارجی چندهمسایگی و منطقه‌گرایی فعال در محیط پیرامون خود است (محروق، 1401: 15). در این چارچوب، دیپلماسی راهبردی ایران در طراحی منطقه‌گرایی شبکه‌ای متداخل، باید با مبنا قرار دادن چگالی جریان ارتباطات و توزیع وابستگی حساس میان حلقه‌های پیوندی شبکه، جایگاه هر یک از گره‌ها را به نحوی مشخص کند که با تقویت موقعیت و نقش‌های میانه‌گاهی، راهرویی (شرقی غربی/ شمالی/جنوبی)، پیوندی (دینی و فرهنگی تمدنی)، پل (دادوستد اقتصادی/دلالی سیاسی اقتصادی) و میان‌منطقه‌ای (پیونددهنده نظم‌های منطقه‌ای) (Khalili, 2018: 130)، منزلت راهبردی ایران را در سیستم بین‌الملل ارتقاء دهد. ترسیم منطقه‌گرایی شبکه‌ای متداخل برای جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر دو متغیر بیرونی و درونی است. متغیر بیرونی به نقش قدرت‌های بیرونی باز می‌گردد و ایران را در فضای بینابینی شبکه راهبردی-عملیاتی قدرت‌های اصلی جهان یعنی آمریکا، روسیه و چین قرار داده است که آن را وا می‌دارد فضای سیاسی و دیپلماتیک خود را بر اساس دینامیک‌های هم‌افزا و کاهنده با قدرت‌های بزرگ شکل دهد. متغیر درونی در ترسیم شبکه منطقه‌ای متداخل ایران تحت تأثیر منازعات بومی در مناطق خرد و فروملی و منازعات منطقه‌ای ناشی از ورود بازیگران جدید راهبردی به محیط پیچیده منطقه‌ای است. به‌عنوان نمونه، قدرت یابی مجدد طالبان در اوت 2021 در افغانستان و تثبیت نسبی حاکمیت آنان بر این کشور در مرزهای شرقی ایران، منازعات فروملی در غرب و جنوب غرب آسیا و نیز تغییر ماهیت کنشگری گروه‌های فروملی چچن در قفقاز از منطق دولت‌سازی ملی‌گرایانه به جهادگرایی اسلامی و شکل‌دهی به وفاداری فراقومی در قالب امارت اسلامی که سبب تحریک و فعال‌شدن گسل‌های قومی-مذهبی و چندوجهی شدن ماهیت شورش‌ها و منازعات پیرامون ایران شده است (Mahrough, 2022: 11).

هم‌زمان در سطوح مناطق متوسط و کلان شبکه‌ای، با تغییر ژئوپلیتیک منازعه امریکا از خاورمیانه به آسیا-پاسیفیک و تعدیل نظامی آن از مناطق جنوب و غرب آسیا، در سراسر منطقه، محور جدید فرصت برای قدرت‌های منطقه‌ای در بازی‌های مجموعه‌ساز منطقه‌گرا فراهم آمده است. هم‌وزنی ساختاری ترکیه و اسرائیل با ایران در صحنه عملیاتی مشترک سبب تشدید الگوهای رفتاری هم‌ستیزانه شده است. بنابراین، به‌دلیل ستیزه‌جویانه شدن منطقه‌گرایی، هر اقدام قدرت‌های بیرونی پتانسیل تبدیل شدن به منبع جدید تنش را دارد و ایران برای حل این تنش‌ها بیش از پیش به دیپلماسی راهبردی نیاز دارد تا گذارهای پیچیده و سریع در چرخه‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک امروز را سازمان‌دهی کند (Mahrough,2022 & Mahrough, 2020). به‌طورکلی، بهره‌برداری ایران از شبکه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و

ژئوکالچریک منطقه‌ای می‌تواند در اعمال و ظهور یک سیاست همسایگی فعال مؤثر باشد. شبکه ژئوپلیتیکی ایران اساساً ماحصل تداخل کارکردی چرخه قدرت ایران و کشورهای عضو آن در سطوح منطقه‌ای و چرخه جهانی قدرت است که در آن ایران در فضای بینابینی شبکه راهبردی-عملیاتی قدرت-های اصلی جهان یعنی آمریکا، روسیه و چین قرار گرفته است. ایران در ترسیم منطقه‌گرایی متداخل شبکه-ای و سیاست چندهمسایگی خود باید فضای سیاسی و دیپلماتیک خود را بر اساس دینامیک‌های هم‌افزا و کاهنده با قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای یا قدرت‌های منطقه‌ای همسو شکل دهد.

براین اساس، ایران با توجه به موقعیت میانه‌گاهی خود پنج شبکه منطقه‌ای را بهم پیوند می‌دهد: آسیای مرکزی؛ قفقاز جنوبی، آسیای جنوب غربی؛آسیای غربی، و مدیترانه. در آسیای مرکزی ایران با روسیه و چین مرز مشترک دارد که به تداخل فضای ژئوپلیتیک ایران با آنها شکل می‌دهد. این منطقه علاوه بر مرز مشترک با روسیه، بخشی از فضای ژئوپلیتیک و حوزه نفوذ سنتی این کشور محسوب می‌شود. چین نیز دارای 3297 هزار کیلومتر مرز مشترک (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان) با آسیای مرکزی است که این همجواری ژئوپلیتیکی موجب شکل‌گیری روابط راهبردی با این کشورها شده است (Aghahasani, 2019). در خرده شبکه قفقاز جنوبی نیز ایران با ارمنستان، آذربایجان و ترکیه (شمال خاوری ترکیه) هم‌مرز است. وجود قدرت فرامنطقه‌ای روسیه و عضویت آن در این خوشه، ساختار نظم این منطقه را به سمت ساختار هژمونیک مبتنی بر همکاری سوق داده است (Ghasemi & Lotfian Akbarabadi, 2013:108). از سوی دیگر، مداخله قدرت فرامنطقه‌ای امریکا و متحدین غربی آن و نیز اسرائیل در این خرده شبکه به عنوان رقیب ساختار هژمونیک روسیه، و نیز حضور و کنشگری قدرت‌های منطقه‌ای ترکیه، پیچیدگی خاصی به معادلات نظم این خوشه ژئوپلیتیک بخشیده است؛ به طوری که رقابت راهبردی روسیه و امریکا (با همراهی اتحادیه اروپا، ترکیه و اسرائیل) در حوزه اوراسیا (بحران اوکراین 2022) که تأثیرات خود را بر این خرده شبکه می‌گذارد و نیز رقابت ایران و ترکیه و تلاش ترکیه و اسرائیل با همراهی جمهوری آذربایجان برای تغییر ساختار ژئوپلیتیک مرزهای شمالی ایران (بحران قره‌باغ 2021)، منطقه قفقاز جنوبی را درون حوزه امنیتی ایران قرار داده است. در شبکه ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا، افغانستان بخشی از منطق منطقه‌گرایی متداخل شبکه‌ای ایران، پاکستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، چین و روسیه به دلیل فضای ایجاد شده در ژئوپلیتیک آسیای مرکزی به حساب می‌آید.

از سوی دیگر، با تغییر چرخه و هندسه قدرت از یوروآتلانتیک به آسیاپاسفیک(Agnew, 2012: 6-8) ژئوپلیتیک منازعه از آمریکا به سمت آسیاپاسفیک تغییر کرده است و اساساً منطق رقابت‌های جهانی در

پرتو این مسئله ساخت‌یابی شده است(Simón, 2022: 4-5). نخستین رخداد این تحول بین‌المللی، خروج آمریکا از افغانستان و قدرت‌یابی طالبان در اوت 2021 بود که در حوزهٔ همسایگی ایران اثرگذار بود. در شبکه منطقه‌ای خاورمیانه، شبکه ارتباطی ایران با سه خرده شبکه خلیج فارس، شامات و منطقه‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای متداخل می‌باشد. از آنجا که در منطقه‌گرایی شبکه‌ای، فضا جایگزین مکان ژئوپلیتیکی شده است، شبکه منطقه‌ای ایران با شبکه منطقه‌ای روسیه و چین در غرب آسیا دارای منافع موازی، هم‌پوش و گاه رقابتی است. براساس آنچه ذکر شد می‌توان دریافت که مرزهای جغرافیایی و فضای ژئوپلیتیک ایران با مرزها و فضای ژئوپلیتیک چین و روسیه در شبکه‌ها و خرده شبکه‌های منطقه‌ای در محیط همسایگی خود تداخل دارد و نوعی عضویت هم‌پوشان در آن دارند که تداخل در این نظم‌ها سبب پیوند میان آنها از راه صحنه عملیاتی مشترک شده است. سیاست چندهمسایگی ایران مستلزم گسترش پیوندهای دوجانبه ایران (توافق مشارکت راهبردی 20 ساله با چین و روسیه در قالب سیاست نگاه به شرق) به پیوندهای سه‌جانبه با آنها (به عنوان نمونه ایران–چین–روسیه) یا پیوندهای چندجانبه با مشارکت شرکای منطقه‌ای و نیز تقویت نهادهای منطقه‌ای همانند اکو و سازمان همکاری شانگهای است (Ghasemi, 2019: 186-187; Mahrough, 2022:18).

در شبکه ژئواکونومیک ایران، تنوع گستره‌ی منطقه‌ای به عنوان محیط‌های چندگانه همسایگی وجود دارد که مهمترین پیوند کارکردی آن انطباق و هم‌کنشی با خرده شبکه‌های خلیج‌فارس در جریان تولید و عرضه‌ی انرژی است. ایران با توجه به موقعیت میانه‌گاهی و همسایگی آن با آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی، جنوب و جنوب غرب آسیا، از پتانسیل بالایی در حوزه ترانزیت بین‌المللی و به بیان دیگر ژئوپلیتیک راه[1] برخوردار است. سیاست چندهمسایگی ایران در ترسیم شبکه ژئواکونومیک متداخل مستلزم آن است که ضمن توجه به منافع، امنیت و مزیت نسبی خود، به مزیت‌های نسبی محیط همسایگی و منافع مشترک با همسایگان خود نیز توجه داشته باشد و توافقات و قراردادهای دوجانبه با هر یک از همسایگان را به‌گونه‌ای تنظیم کند که به تعبیر شریعتی نیا به «بهینه‌سازی پیوندهای زیرساختی یکدیگر و همگون‌سازی سیستم‌های فنی با یکدیگر» منجر شود تا به «گسترش مسیرهای ترانزیت بین‌المللی و شکل‌گیری شبکه زیرساختی منتهی شود که همه مناطق در آسیا، میان آسیا، اروپا و افریقا را به تدریج و گام به گام به یکدیگر پیوند زند» (Shariatinia, 2016: 102).

1- Road Geopolitics

شکل5-1. مولفه‌های سیاست همسایگی فرکتالی ایران(منبع: نگارندگان)



5. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست خارجی فعال همسایگی هماهنگی میان اصول و برنامه‌های اعلامی و اعمالی در عرصه‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی است. باتوجه به مسئله ایران با قرار گرفتن در محیطی پرهمسایه و چندهمسایه، فاقد سیاست‌گذاری‌های مطلوب و استفاده از پتانسیل‌های کارآمد و فرصت‌ساز در منطقه بوده است. منطقه‌گرایی متداخل شبکه‌ای و کاربست سیاست همسایگی فرکتال به دلیل ساختار چندلایه و چندپیکری می‌تواند رهیافتی مناسب برای سیاست خارجی کشورهای پرهمسایه و چندهمسایه همانند ایران باشد که در فضای ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک به توسعه ارتباطات منطقه‌ای بپردازد. ایجاد ارتباط و اتصال قوی و گسترده با همسایگان به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، اهمیت بسیاری در سیاست همسایگی دارد. تحقق سیاست همسایگی مستلزم هم‌افزایی، هم‌پایانی و پیوندیابی میان پویش‌های قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است تا با شکل دادن به نظم بومی منطقه‌ای سبب‌ساز کاهش تنش و اختلافات میان کشورهای محیط همسایگی ایران شود. در این راستا، مدیریت و نقش‌آفرینی فعال در تحولات منطقه‌ای از الزامات تحقق سیاست بهینه همسایگی جمهوری اسلامی خواهد بود. توسل به دیپلماسی پارلمانی و استفاده از ظرفیت گروه‌های دوستی در قالب شبکه‌های ژئوکالچری می‌توانند به دیپلماسی رسمی کشور کمک شایانی در تحقق سیاست همسایگی کند. در نهایت باید توجه کرد سیاست همسایگی در خلأ شکل

نمی‌گیرد بلکه همزمان مستلزم تقویت دیپلماسی سازمان‌های بین‌المللی و ارتباط با قدرت‌های نوظهور و تعاملات بین‌المللی در ابعاد مختلف است. تحقق الزامات فوق خود منوط به وجود نظام حکمرانی مشخص در حوزه سیاست همسایگی معطوف به اجرایی‌سازی مسأله است. تقویت روابط ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران با کشورهای اروپای شرقی و مرکزی (سی. ای. ای) می‌تواند نقطه امتداد «سیاست همسایگی فرکتال» برای پیشبرد سیاست خارجی متوازن‌ساز و مبتنی بر منطقه‌گرایی متداخل شبکه‌ای باشد. این تحول هم‌زمان می‌تواند در روابط بین‌المللی ایران بین بلوک‌های غرب و شرق و در حوزه های «انتقال انرژی»، «زنجیره انتقال کالاهای منطقه ای» و «دیپلماسی کریدورها» تعادل ایجاد کرده و به تبع منجر به تقویت رویکردهای مستقل سیاست خارجی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به واسطه مجموعه‌سازی ارتباطی باشد.

منابع

Akbari, Abed; Mirmohammadi, Mehdi)2021). Iran's neighborhood policy; Needs and requirements. Tehran International Studies & Research Institute (In Persian(

Araghchi, S. A. (2022). Good Neighborly Policy; Requirements and Proposals for the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. World Politics, 11(3), 7-34. (In Persian)

Burchill, S., Linklater, A., Donnelly, J., Nardin, T., Paterson, M., Reus-Smit, C., ... & Sajed, A. (2022). Theories of international relations. Translated by Homeira Moshirzadeh and Homeira Moshirzadeh. Publishing Mizan. (In Persian)

Dehghani Firoozabadi, J. (2014). Theories of regional convergence and international regimes. Publishing Mokhatab. (In Persian).

Ghasemi, F. (2012). A step toward providing a new theory of regional balance of power. International Quarterly of Geopolitics. Vol.8. (In Persian)

Ghasemi, F., & Abbasi Khoshkar, A. (2018). The Dynamics of Power in Regional Order and Regional Ally State Security Strategy: A Case Study of Zionist regime's National Security Strategy in the Syrian Civil War 2012-2019. Foreign Relations, 10(3), 5-35. (In Persian)

Hamidi, S., & Mozdkhah, E. (2021). Iran and System efficiency model; Transition from a confrontational environment to a fractal foreign policy centered on regional interaction. Foreign Relations Quarterly. Vol. 13. No. 50. (In Persian) .

Katzenstein, P. J. (Ed.). (2019). The culture of national security: Norms and identity in world politics. Translated by Mohammad Mahdi Semati Columbia University Press. (In Persian) .

Khalili, M. (2018). Neighbor-Crowded Iran and the Multineighboring Foreign Policy. *Research Political Geography Quarterly*, *3*(1), 123-146.

Mahrough, F. (2022). Multiplex Networked Regionalism; a Theoretical Model for Iran's

Multi-neighborhood Foreign Policy. Geopolitics Quarterly. (In Persian)
Shirkhani. M & Mahrough. F. (2021). China Rise in Transition. Tehran University Press. (In Persian).

-------------- (2017a). Beyond regulation: Innovative strategies for governing large complex systems. Sustainability, 9(6), 938.
-------------- (2017b). Governing complex systems: social capital for the Anthropocene. MIT Press.
------- (2019). Complexity-Chaos Theory and War in International Relations [Persian], University of Tehran Press.
-------- (2022). A Step Towards the Theoretical Model of Dissipated and Bifurcated Order in the New International Politics [Persian], International Quarterly of Geopolitics, 18 (65), 289-314. https://doi.org/20.1001.1.17354331.1401.18.65.10.6
Acharya, A., & Buzan, B. (2019). The making of global international relations. Cambridge University Press.
Akabari, M., Ghazi, H., and Ghaffarlou, A. (2022). Investigation of the Role of Rail Transit in Promoting the Geopolitical Status of Chabahar Port [Persian], International Quarterly of Geopolitics, 18 (67), 70-100. 20.1001.1.17354331.1401.18.67.3.3
Bamberger, P. A. (2019). On the replicability of abductive research in management and organizations: Internal replication and its alternatives. Academy of Management Discoveries, 5(2), 103-108. https://doi.org/10.5465/amd.2019.0121
Barry Ton and, Others (2005). A Global Good Neighbor Ethic for International Relation, Foreign Policy in Focus May.
Conaty, F. (2021). Abduction as a methodological approach to case study research in management accounting–an illustrative case. Accounting, Finance, & Governance Review, 27(1), 21-35. https://doi.org/10.52399/001c.22171
D'Agostino, G., & Scala, A. (Eds.). (2014). Networks of networks: the last frontier of complexity (Vol. 340). Berlin: Springer
Dalton Lin, K. (2010). Good Neighbor or Bad Neighbor? Explaining China's Neighborhood Policies. In *Prepared for the 16th Annual North America Taiwan Sturdies Conference. June*.
Degterev, D. A., Ramich, M. S., & Tsvyk, A. V. (2021). US-China: “Power Transition” and the Outlines of “Conflict Bipolarity”. Vestnik RUDN. International Relations, 21(2), 210-231
Ghasemi, F. (2018). Complexity and Chaos Theory: New Turning point in Explaining of Regional Network Evolution [Persian]. Politics Quarterly, 47 (4), 1005-1024. http://doi.org/10.22059/jpq.2017.208731.1006832.

Ghasemi, F., Lotfian Akbarabadi, Z. (2013). The effect of Iran's strategic nested network on the regional diplomacy of the Islamic Republic [Persian]. The Iranian Research letter of International Politics, publish in progress, 1 (2), 94-125
Goh, E. (2022). The Asia–Pacific’s ‘Age of Uncertainty’: Great Power Competition, Globalization and the Economic-Security Nexus. In From Asia-Pacific to Indo-Pacific (pp. 29-52). Palgrave Macmillan, Singapore.
Hafner-Burton, E. M., Kahler, M., & Montgomery, A. H. (2009). Network analysis for international relations. International organization, 63(3), 559-592.
Jackson, Steven (2006), “China’s Good Neighbor Policy: Relations with Vietnam and

Indonesia in Comparative Context", Presented the International Studies Association Annual Meeting, San Diego.
Ji, Y. (2017). Xi Jinping and PLA Centrality in Beijing's South China Sea Dispute Management. *China: An International Journal*, *15*(2), 1-21.
Joshi, S., Mahmud, A. S., & Sarangi, S. (2020). Network formation with multigraphs and strategic complementarities. *Journal of Economic Theory*, *188*, 105033.
Khalili, M. (2018). Neighbor- Crowded Iran and the Multineighboring Foreign Policy Research political Geography Quarterly, 1(2), 31-54. [In Persian].
Liao, J. C. (2019). A good neighbor of bad governance? China's energy and mining development in Southeast Asia. *Journal of Contemporary China*, *28*(118), 575-591.
Mearsheimer (2001) the Tragedy of Great Power Politics. N.K.: Norton, Princeton, N.J. Princeton University Press.
Mir Mohammadi, Mehdi (2021). Neighborhood Policy and Security Cooperation, Neighborhood Policy Articles, Asian Diplomacy, Issue 6, November 2021, pp: 8-9, [In Persian].
Mousavi Shafaei, Masoud (2020). Turmoil in the international order and the necessity of adopting the neighborhood policy, Shargh newspaper, year 17, number 3728, pp. 9 and 15, [In Persian].
Noruzizadeh, F., Goodarzi, M., and Masoudnia, H. (2022). Geopolitical and Geo-economical Role of Persian Gulf Energy (Oil & Gas) Transit in Implementing Islamic Republic of Iran's Regional Policy [Persian], International Quarterly of Geopolitics, 18 (67), 228-255. 20.1001.1.17354331.1401.18.67.8.8
Orsini, A., Le Prestre, P., Haas, P. M., Brosig, M., Pattberg, P., Widerberg, O., & Chandler, D. (2020). Complex systems and international governance. International Studies Review, 22(4), 1008-1038.
Punnoose, S. K., & Vinodan, C. (2019). The Rise of China and Power Transition in Contemporary International Relations. IUP Journal of International Relations, 13(1).
Safari, F., Ahmadi, H., Barzegar, K. (2018). A Study of the Sino-Russian Approach to Regional Order in Eurasia [Persian], International Studies Journal, 18 (1). doi/10.22034/isj.2021.259549.1305
Sakwa, R. (2011). The clash of regionalisms and Caucasian conflicts. Europe-Asia Studies, 63(3), 467-491. Doi: 10.1080/09668136.2011.557539
Sakwa, R. (2011). The clash of regionalisms and Caucasian conflicts. Europe-Asia Studies, 63(3), 467-491. Doi: 10.1080/09668136.2011.557539
Shariatinia, M. (2016). The Silk Road Economic Belt: A China-Centered Value Chain. [Persian] Foreign Relations Quarterly, 8 (2), 86-113.
Söderbaum, F. (2012). Theories of regionalism. In *Routledge handbook of Asian regionalism* (pp. 31-41). Routledge.
Stewart-Ingersoll, R., & Frazier, D. (2012). *Regional powers and security orders: a theoretical framework*. Routledge.
Tahaei, S. J. Mousavinia, S.R. (2014). The neighborhood (A Theory for the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran [Persian]. Islamic Politics Research, 1 (4), 165-192
Young, O. R. (2010). Institutional dynamics: emergent patterns in international environmental governance. MIT Press.